



رایزن فرهنگی هند در ایران گفت: با توجه به سيطره هفتصد ساله زبان فارسی در هند و اینکه بسیاری از علوم و معارف هندی از طریق زبان فارسی به دنیا معرفی شده است نسل جدید نیازمند آموزش دوباره زبان فارسی است تا گسستگی فرهنگی شکل نگیرد. به گفته پروفیسور بلرام شکلا، در سال ۲۰۲۰ مجلس هند آموزش زبان فارسی را به عنوان یکی از زبان‌های هند مصوب کرده است، یعنی همان گونه که سانسکریت یکی از زبان‌های هند است و یادگیری آن برای مردم ما حائز اهمیت، دانش‌آموزان و نسل جدید نیز به آموزش زبان فارسی نیازمند هستند.

این رایزن فرهنگی که خود ۱۰۰ غزل از مولانا را از فارسی به هندی تحت عنوان «خلخال بی صدا» منتشر کرده است، گفت: بسیاری از کتاب‌های فارسی پس از ترجمه به انگلیسی در اختیار ما قرار گرفته است؛ اما این ترجمه روح اثر را از بین برده و فاقد اشارات و کنایات زیبای فارسی است.

شکلا افزود: شاهنامه جزو اساطیر هند هم محسوب می‌شود و همچنان اسامی شاهنامه بین مردم هند رواج دارد، هرچند کمتر از گذشته شده است. از این رو من فکر می‌کنم زمان آن فرارسیده است که مناسبات فرهنگی دو کشور از طریق نشر کتاب‌های فارسی در هند، احیا و پررنگ‌تر شود.

هیوا قادر، نویسنده و مترجم:

ایران از فعال‌ترین کشورهای در جنبش ترجمه است



هیوا قادر، نویسنده و مترجم کرد، گفت: ایران یکی از فعال‌ترین کشورها در رابطه با جنبش ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی است.

به گزارش ایرنا، او در ادامه افزود: این روند در منطقه تأثیرگذار بوده است، زیرا در منطقه نویسنده و فعالان زیادی داریم که زبان فارسی را می‌دانند و با ادبیات جهان از طریق این ترجمه‌ها آشنا می‌شوند. این روند برای افرادی که به زبان فارسی تسلط دارند، مفید واقع شده است.

نویسنده کتاب «خانه گربه‌ها» با اشاره به اینکه از طریق ترجمه، ادبیات فارسی به دیگر فارسی‌زبانان شناسانده می‌شود، ادامه داد: ما از طریق ترجمه ادبیات فارسی را می‌شناسیم، اما آن‌طور که باید و شاید ادبیات کردی به فارسی‌زبانان معرفی نشده است. شاید بخشی از این مسئله تقصیر ماست و بخشی هم به دلیل اوضاع فرهنگی داخل ایران است.

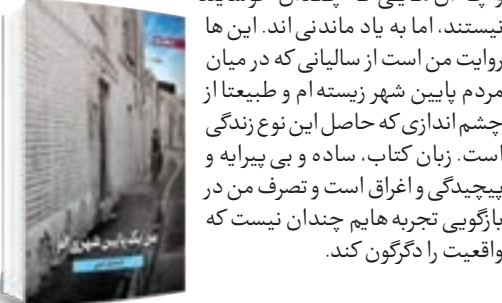
او با تأکید بر اینکه مترجم به نوعی نماینده ادبیات به زبان‌های مختلف است، افزود: به عنوان مترجم که به شکلی نماینده ادبیات کردی در ایران هستم، می‌بینم که مترجم‌ها توانستند آثار برجسته‌ای از ادبیات کرد را ترجمه کنند، از جمله رمان‌ها و شعرهایی که به فارسی ترجمه شدند و مورد استقبال قرار گرفتند. قادر که بیش از ۲۰ سال در سوئد زندگی کرده است، ادامه داد: مسائلی مانند کمی رایت در اروپا رعایت می‌شود، خیلی خوب است. کاش در ایران هم رعایت می‌شد و نویسنده و مترجم می‌توانست از این طریق زندگی خود را بچرخاند. ایران کشوری است که آثار تمام جهان را بدون حق‌کپی رایت ترجمه می‌کند. این خوشایند نیست. مانند هر کشور نویسنده باید آنچه را حقیقت است دریافت کند.

قادر که تا به حال بیش از ۱۲۰ کتاب ترجمه و تألیف کرده است، گفت: اگر نویسنده و مترجم بتوانند با این کار امرار معاش کنند، بیشتر رشد می‌کند در غیر این صورت حرکت او کند می‌شود. نویسنده کتاب «خانه گربه‌ها» افزود: به عنوان نویسنده کرد، خوش‌حالم که آثارم در ایران ترجمه می‌شود و از طریق ترجمه آثارم می‌توانم آنچه که حقایق زندگی انسانی کرد است به غیر کردها از راه ادبیات منتقل کنم.

نویسنده تازه‌های کتاب

روایت‌های اسماعیل امینی درباره زندگی مردم کوچک و بازار منتشر شد

«من یک پایین شهری‌ام» نوشته اسماعیل امینی که مجموعه‌ای از روایت‌های زندگی و مردم پایین شهر تهران است، منتشر شد. به گزارش ایسنا، در معرفی این کتاب که در انتشارات جام جم منتشر شده، آمده است: اسم این کتاب را گذاشتم «من یک پایین شهری‌ام» چون مجموعه‌ای است از روایت‌های زندگی و مردم پایین شهر تهران، همان جایی که من زندگی کرده‌ام. این روایت‌ها روزی برای اینکه به نظرم رسید، بسیاری از گوشه‌های زندگی، رخدادها و جزئی‌ها را در بر می‌گیرد. شاید هرگز توجه کسی را جلب نکنند مثل انبوه برگ‌های زرد پاییزی که با همه زیبایی‌شان زیر پای رهگذران می‌مانند و له می‌شوند. برخی از این یادداشت‌ها روایت من است از تجربه‌هایی که در موقعیت‌های مختلف و درباره انسان‌ها، چه آن‌ها که دوست داشتم هستند و چه آن‌هایی که چندان خوشایند نیستند، اما به یاد ماندنی‌اند. این‌ها روایت من است از سالیانی که در میان مردم پایین شهر زیسته‌ام و طبیعتاً از چشم‌اندازی که حاصل این نوع زندگی است. زبان، کتاب، ساده و بی‌پیچیدگی و آغراق است و تصرف من در بازگویی تجربه‌هایی چندان نیست که واقعیت را درگزن کند.



دکتر اصغر دادبه در نشست «شاهنامه و امر سیاسی»، از راه رستگاری در نگاه سخنوران و اندیشمندان بزرگ ایرانی گفت

حکمت عملی ایرانی بی‌آزاری است

رادمثنش

درنگ

حکمت و فلسفه ایرانی چیست؟ راه رستگاری از نظر حکیمان ایرانی کدام است؟ آیا ما هر چه از حکمت و فلسفه داریم از یونان وام گرفته و پرورده‌ایم یا حکیمان و اندیشمندان ایرانی نیز نظریاتی در باب بهترین شیوه زیست فردی و اجتماعی داده‌اند؟ دکتر اصغر دادبه، استاد فلسفه اسلامی، ادبیات و حافظ‌شناس، بر این باور است که ما ایرانیان حکمتی عملی از آن خود داریم که می‌شود در کم‌آزاری و بی‌آزاری خلاصه‌اش کرد. موضوعی که شاعران بزرگ ایران از فردوسی تا سعدی و حافظ بارها به آن اشاره و بر آن تأکید کرده‌اند. محور سخنان او در همایش «شاهنامه و امر سیاسی»، که در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، همین موضوع بود. دادبه با استناد به سخن سخنوران بزرگ پارسی، بی‌آزاری را از نشانه‌های دانایی و آزرآرساندن - چه به انسان و چه به دیگر جانداران و حتی به محیط زیست - را نشانه شخص نادان دانست. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از سخنرانی اوست.

چند سال پیش بحثی درگرفته بود که ما حکمت عملی مستقل نداریم و آنچه خواجہ نصیر و دیگران آورده‌اند، حرف‌های یونانیان است. اما من با جست‌وجو در ادب فارسی که آینه تمام‌نمای فرهنگ ملی ماست دیدم این حرف درست نیست و ما حکمت عملی مستقلی داریم که حرف‌های یونانیان را هم در برمی‌گیرد. اگر حرف‌های یونانیان را خیلی فرموله کنیم سؤالشان این است که چه کنیم تا خوشبخت شویم؟ راه رستگاری و سعادت چیست؟ سقراط و افلاطون گفتند دانایی، دانایی کلید سعادت است و نادانی هم دلیل شقاوت و بدبختی، ارسطو حد وسط را مطرح کرد و تئوری اعتدال را برگزید چون هم تفریط یونانیان و مقاربت نکردن در برابر اسکندر را دیده بود و هم افراط اسکندر و کارهایی که کرد. فرمول ما چی بود؟ فرمولی که در ایران بود و ما باید آن را بازشناسی کنیم. فرمول کم‌آزاری است. من در متون ادبی که دنبال این موضوع گشتم، رسیدم به «هفت اورنگ» جامی، آنجایی که دهقانی می‌دود جلوی پادشاه و می‌گوید: اصل دین مغان کم



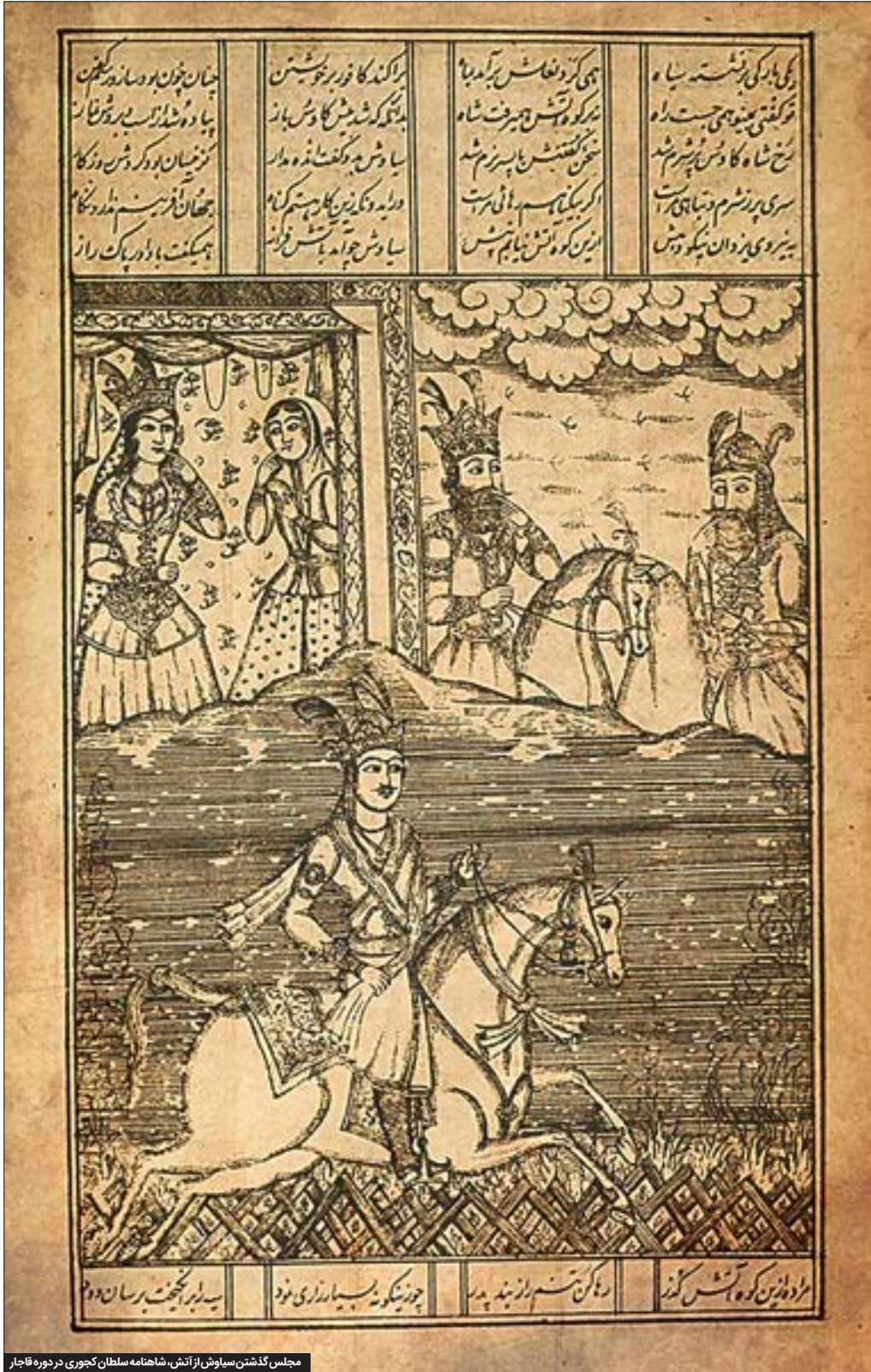
تعبیر را به کار برده است. از جمله در داستان ایرج، جایی که پدر دارد او را نصیحت می‌کند و می‌گوید: نباید زگیتی تو را یار کس بی‌آزاری و راستی یار بس و این را گسترش می‌دهد و تأکید می‌کند بر روش بی‌آزاری و نیکوکاری که خاستگاه کهن تری دارد. فردوسی فقط به مسئله نیاززدن انسان توجه ندارد، به چیزهایی که امروز درباره حقوق حیوانات و توجه به محیط زیست مطرح می‌شود نیز توجه داشته است. آن گزارش سعدی همین است که می‌گوید: چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد که رحمت بر آن تربت پاک‌باد

بیان یک دغدغه انسانی در «کمیته»

دقایقی پای صحبت‌های احسان موسوی خلخالی، مترجم زبان عرب

مجموعه

احسان موسوی خلخالی، مترجم باتجربه زبان عرب که آثار بسیاری را از جهان عرب به فارسی برگردانده است، عصر روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت، مهمان نشست ستی در کافه کتاب آفتاب مشهد بود. نشست که حول ترجمه تازه‌او، یعنی «کمیته»، شکل گرفت و ضمن آن صحبت‌هایی پیرامون مقوله ترجمه و اقبال مخاطبان به کتاب‌های دنیای عرب نیز ردوبدل شد. احسان موسوی خلخالی از مادری عراقی متولد شده و به گفته خودش در خانه همچنان زبان عربی تکلم می‌شود. شرایطی که معتقد است به آشنایی‌اش با زبان عربی کمک کرده است و در گذر زمان با متون مکتوب عربی نیز ارتباط برقرار می‌کند. موسوی خلخالی بعد از دیپلم در حوزه درس خوانده است. عربی حوزه البته به اذعان خودش عربی روز نیست، اما به هر روی ساختار گرامر این زبان را به آدم یاد می‌دهد و در همه این سال‌ها با مطالعه بیشتر تسلطش به این زبان تقویت شده است. اولین ترجمه او در سال ۷۷-۷۸ در مجله کارنامه به چاپ رسید که یک داستان کوتاه بوده و در ادامه این روند به سراغ ترجمه رمان نیز می‌رود. اولین رمانی که ترجمه می‌کند چاپ نمی‌شود و «چنین گفت ابن عربی» عنوان اولین اثر او را به خود اختصاص می‌دهد. قاسم فتحی، مترجم رمان «سفر به سرزمین‌های غریب» که گریزی است به سرزمین‌های ناشناخته جهان عرب، دبیر این نشست بود و جمعی از علاقه‌مندان نیز همراه برنامه بودند. آنچه در ادامه آمده، گزیده‌ای است از صحبت‌های احسان موسوی خلخالی درباره دنیای ترجمه و «کمیته».



مجلس گذشتن سیاوش از آتش، شاهنامه سلطان کجوری در دوره قاجار

میاراز موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است البته ضبط این شعر در شاهنامه به این صورت است: مکش مورکی را که دانه‌کش است که او نیز جان دارد و جان خَش است این در جایی مطرح می‌شود که می‌خواهند ایرج را بکشند. مسئله پرهیز از هرگونه آزار و اذیت آدم‌کنشی است. حتی قصه «درخت افکن بُود کم‌زندگانی»، که در «خسرو و شیرین» آمده و توجه می‌دهد به محیط زیست و درخت - که این روزها با ماجرای پارک قیصریه مطرح است - باز ریشه در شاهنامه دارد. دو جا - تا جایی که من خاطر می‌آید - در شاهنامه هست که درخت را از بین می‌برند، و از بین برنده درخت روزگار ناخوشی همین پیش می‌آید و از بین می‌رود. یکی جایی

میاراز موری که دانه‌کش است

تعبیر را به کار برده است. از جمله در داستان ایرج، جایی که پدر دارد او را نصیحت می‌کند و می‌گوید: نباید زگیتی تو را یار کس بی‌آزاری و راستی یار بس و این را گسترش می‌دهد و تأکید می‌کند بر روش بی‌آزاری و نیکوکاری که خاستگاه کهن تری دارد. فردوسی فقط به مسئله نیاززدن انسان توجه ندارد، به چیزهایی که امروز درباره حقوق حیوانات و توجه به محیط زیست مطرح می‌شود نیز توجه داشته است. آن گزارش سعدی همین است که می‌گوید: چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد که رحمت بر آن تربت پاک‌باد

می‌دهد و چندان با جهان عرب ارتباط خاصی برقرار نکرده است. حتی آشنایی ایرانی‌ها با زبان عرب از طریق ترجمه‌های انگلیسی اتفاق افتاد.

«کمیته»، یک اثر کافکایی با طنز تلخ

«کمیته» نوشته صنع‌ا... ابراهیم، نویسنده مصری است. نویسنده‌ای که جزو چهره‌های معروف است و کارش نیز بین مخاطبان با استقبال خوبی روبه‌رو شد و به چند زبان در دنیا ترجمه شد. ابراهیم در قبال جامعه و مسائل حاکم بر آن بی‌تفاوت نیست و وجود دارد. به بیان دیگر، این داستان در واقع به نقد حضور شرکت‌های خارجی در مصر می‌پردازد که در نتیجه ارتباط‌گیری مصر با کشورهای غربی اتفاق افتاد و مصر وارد شرایطی شد که می‌خواست با جهان ارتباط برقرار کند و در این میان نقش آمریکا خیلی پررنگ شد. از طرفی، ما با آشنایی جاه طلب طرف هستیم که در شرایطی گیر کرده است و با یک کمیته طرف است. این شرایط به قدری بالا و پایین می‌شود که در انتهای کتاب مجبور به اخذ تصمیم عجیب غریبی می‌شود. فضای کار کافکایی است با یک طنز تلخ و گزنده.

● **جوایز ادبی عربی**: تلاشی برای ابراز وجود در میان جوایزی که برای آثار عربی وجود دارد، جایزه ادبی شیخ زائد یکی از مهم‌ترین‌هاست. بوکر عربی نیز متفاوت است و روی هم رفته حرفه‌ای‌تر دیده می‌شود. بخشی از این جوایز یک تلاش فرهنگی است تا کشور خود را پیشرو و پیشگام جهان عرب نشان بدهند. به نظر تلاشی است برای ابراز وجود.



● **تسلط به زبان مقصد مهم‌تر است** از تسلط به زبان مبدأ دانستن زبان لزوماً به معنای مترجم خوب بودن نیست. در ترجمه مهم‌تر از تسلط به زبان مبدأ، تسلط به زبان مقصد است. مطالعه متون کلاسیک و ترجمه‌های خوب نیز به این قضیه کمک می‌کند.

● **مخاطب ایرانی، رمان‌های غربی، روسیه و آمریکای لاتین را ترجیح می‌دهد**

● **برای انتخاب آثار متنی به احساس حستم** عوامل زیادی بر انتخاب یک اثر برای ترجمه کردن دخالت دارد. بخشی احساس من است. بخشی شخصی است. به عنوان مثال اگر کتابی بخوانم و دوستش داشته باشم، دلم می‌خواهد دوستانم نیز آن را مطالعه کنند. قسمتی دیگر از این انتخاب کردن یا نکردن به مطالعه و گفت‌وگو با دوستان برمی‌گردد. نظرات دوستان کارشناس را در این باره جویا می‌شوم. اصولاً رمان‌های تازه را ترجمه نمی‌کنم. احساس